

جزء بیست ونهم

این جزء از آیه 1 سوره ملک آغاز و تا آیه
50 سوره مرسلات ادامه دارد.

در این جز سوره ملک، قلم، الحاقه، معارج، نوح، جن،
مزمّل، مدثر، قیامة، انسان و مرسلات قرار دارد.

ahlolbait.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرمانروایی [همه هستی] به

دست اوست و او بر هر کاری تواناست. (۱)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و
او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۗ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ
الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ ۗ فَأرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن
فُطُورٍ ﴿٣﴾

آنکه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش [خدای]
رحمان، خلل و نابسامانی و ناهمگونی نمی بینی، پس بار دیگر
بنگر آیا هیچ خلل و نابسامانی و ناهمگونی می بینی؟ (۳)

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ
حَسِيرٌ ﴿٤﴾

سپس بار دیگر بنگر تا دیده ات در حالی که خسته و کم سو شده
[و از یافتن خلل، نابسامانی و ناهمگونی فرو مانده] و در مانده
گشته است، به سویت باز گردد. (۴)

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا
لِّلشَّيَاطِينِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾

همانا ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی آراستیم و آنها را تیرهایی برای
راندن شیطان‌ها قرار دادیم، و برای آنان [در آخرت] آتشی
افروخته، آماده کرده‌ایم؛ (۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب دوزخ

است و بد بازگشت گاهی است. (۶)

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورٌ ﴿٧﴾

هنگامی که در آن افکنده شوند از آن در حالی که در جوش
و فوران است، صدایی هولناک و دلخراش می شنوند. (۷)

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ^طكُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا
أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾

نزدیک است که از شدت خشم متلاشی و پاره پاره شود. هرگاه
گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از آنان می پرسند: آیا شما
را بیم دهنده‌ای نیامد؟ (۸)

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن
شَيْءٍ إِنَّا أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾

می گویند: چرا، بیم دهنده آمد، ولی او را انکار کردیم و گفتیم:
خدا هیچ چیز نازل نکرده است؛ شما بیم دهندگان جز در
گمراهی بزرگی نیستید؛ (۹)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ

السَّعِيرِ ﴿١٠﴾

و می گویند: اگر ما [دعوت سعادت بخش آنان را] شنیده بودیم، یا [در حقایقی که برای ما آوردند] تعقل کرده بودیم، در میان [آتش] اهل آتش سوزان نبودیم. (۱۰)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾

پس به گناه خود اعتراف می کنند. و مرگ و دوری از رحمت

بر اهل آتش سوزان باد. (۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ
كَبِيرٌ ﴿١٢﴾

بی تردید کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند، برای
آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۱۲)

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوْ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ ﴿١٣﴾

و گفتارتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید، مسلماً او به
نیات و اسرار سینه‌ها داناست. (۱۳)

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾

آیا کسی که [همه موجودات را] آفریده است، نمی‌داند؟ و

حال آنکه او لطیف و آگاه است. (۱۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا
وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ^ط وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾

اوست که زمین را برای شما رام قرار داد، بنابراین بر اطراف و
جوانب آن راه روید و از روزی خدا بخورید، و برانگیختن مردگان
و رستاخیز به سوی اوست. (۱۵)

أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ
تَمُورُ ﴿١٦﴾

آیا از کسی که [حاکمیت و فرمانروایی اش] در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده‌اید، از اینکه [با شکافتن زمین] شما را در آن فرو برد در حالی که زلزله و جنبش موج آسایش را ادامه دهد؟ (۱۶)

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ
فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾

آیا از کسی که حاکمیت و فرمانروایی اش در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده‌اید از اینکه توفانی سخت [که با خود ریگ و سنگ می‌آورد] بر شما فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است! (۱۷)

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾

و مسلماً کسانی که پیش از آنان بودند [آیات خدا و پیامبران
را انکار کردند]، پس [بنگر] عذاب من چگونه بود! (۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ ۚ مَا
يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۚ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾

آیا ندانسته‌اند که پرندگان بالای سرشان را در حالی که بال
می‌کشایند و می‌بندند، فقط [خدای] رحمان در فضا نگه
می‌دارد؟ یقیناً او بر همه چیز بیناست. (۱۹)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ج
إِنَّ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾

آیا آن کیست [از] سپاهتان که شما را به هنگام نزول عذاب در برابر خدای رحمان یاری دهد؟ کافران جز دچار فریب [شیطان] نیستند. (۲۰)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي
عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾

یا کیست آنکه به شما روزی دهد، اگر خدا روزی اش را از شما
باز دارد؟ [نه اینکه حقیقت را نمی دانند] بلکه در سرکشی و نفرت
[از حق سرسختی و] پافشاری می کنند. (۲۱)

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾

آیا کسی که نگوینسار و به صورت افتاده حرکت می کند، هدایت یافته تر است یا آنکه راست قامت بر راه راست می رود؟ (۲۲)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿۲۳﴾

بگو: اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و دیده و دل

قرار داد، ولی اندکی سپاس می‌گزارید. (۲۳)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

بگو: اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور

می شوید. (۲۴)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾

و می گویند: اگر راستگوید این وعده وقوع [رستاخیز] کی

خواهد بود؟ (۲۵)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾

بگو: دانش و آگاهی [این حقیقت] فقط نزد خداست و من

تنها بیم دهنده‌ای آشکارم. (۲۶)

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا
الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴿٢٧﴾

پس زمانی که آن [وعدده داده شده] را از نزدیک بینند، چهره
کافران درهم و زشت گردد [و به آنان گویند:] این است همان
چیزی که آن را [از روی مسخره] می خواستید. (۲۷)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ
الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾

بگو: به من خبر دهید اگر خدا من را و هر که را با من است هلاک کند، یا مورد رحمت قرار دهد، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟ (۲۸)

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾

بگو: اوست رحمان، به او ایمان آوردیم، و بر او توکل کردیم، پس به
زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. (۲۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ
مَعِينٍ ﴿٣٠﴾

بگو: به من خبر دهید اگر آب مورد بهره برداری شما [چون آب رودها، چشمه‌ها، سدها و چاه‌ها] در زمین فرو رود [تا آنجا که از دسترس شما خارج گردد] پس کیست که برایتان آب روان و گوارا بیاورد؟! (۳۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند، (۱)

مَا أَنْتَ بِمَجْنُونٍ ﴿۲﴾

که به سبب نعمت و رحمت پروردگارت [که نبوت، دانش و

بصیرت است] تو مجنون نیستی؛ (۲)

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾

و بی تردید برای تو پاداشی دایم و همیشگی است؛ (۳)

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری. (۴)

فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾

پس به زودی می بینی و [منکران هم] می بینند، (۵)

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ ﴿٦﴾

که کدام یک از شما دچار جنون اند؛ (۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۷﴾

بی تردید پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه
شده، و او به راه یافتگان داناتر است. (۷)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿۸﴾

از تکذیب کنندگان [قرآن و نبوت] فرمان مبر. (۸)

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾

دوست دارند نرمد کنی تا نرمد کنند، (۹)

وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ ﴿۱۰﴾

و از هر سوگند خورده زبون و فرومایه فرمان مبر، (۱۰)

هَمَّازٍ مَثَاءِ بِنَمِيمٍ ﴿۱﴾

آنکه بسیار عیب جوست، و برای سخن چینی

در رفت و آمد است، (۱۱)

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتِيْمٍ ﴿١٢﴾

به شدت بازدارنده [مردم] از کار خیر و

متجاوز و گنهکار است. (۱۲)

عُتِلِّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿۱۳﴾

گذشته از اینها کینه توز و بی اصل و نسب است، (۱۳)

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ﴿١٤﴾

[سرکشی و یاغی گری اش] برای آن [است] که دارای ثروت

و فرزندان فراوان است. (۱۴)

إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٥﴾

هنگامی که آیات ما را بر او می خوانند، گوید:

افسانه های پیشینان است! (۱۵)

سَنَسِيْمُهُ عَلٰى الْخُرْطُوْمِ ﴿١٦﴾

به زودی بر بینی [پر باد و خرطوم مانند]ش داغ رسوایی و

خواری می نهیم. (۱۶)

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذِ أَقْسَمُوا
لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾

بی تردید ما آنان را [که در مکه بودند] آزمودیم همان گونه که
صاحبان آن باغ را [در منطقه یمن] آزمودیم، هنگامی که سوگند
خوردند که صبحگاهان حتماً میوه‌های باغ را بچینند، (۱۷)

وَلَا يَسْتَنْوْنَ ﴿۱۸﴾

و چیزی از آن را [برای تهیدستان و نیازمندان]

استثنا نکردند. (۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾

پس در حالی که صاحبان باغ در خواب بودند، بلایی فراگیر

از سوی پروردگارت آن باغ را فرا گرفت. (۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾

پس [آن باغ] به صورت شبی تاریک درآمد [و جز خاکستر

چیزی در آن دیده نمی شد!] (۲۰)

فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾

وهنگام صبح یکدیگر را آواز دادند، (۲۱)

أَنْ اَعْدُوا عَلٰى حَرْتِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِيْنَ ﴿۲۲﴾

که اگر قصد چیدن میوه دارید بامدادان به سوی کشتزار و

باغتان حرکت کنید؛ (۲۲)

فَانْطَلِقُوا وَهُمْ يَخَافُونَ ﴿۲۳﴾

پس به راه افتادند در حالی که آهسته به هم می گفتند: (۲۳)

أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ ﴿٢٤﴾

امروز نباید نیازمندی در این باغ بر شما وارد شود (۲۴)

وَغَدَّوْا عَلٰی حَرْدٍ قَادِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

و بامدادان به قصد اینکه تهیدستان را محروم

گذارند به سوی باغ روان شدند. (۲۵)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ﴿٢٦﴾

پس چون [به باغ رسیدند و آن را نابود] دیدند، گفتند: یقیناً ما
گمراه بوده‌ایم [که چنان تصمیم خلاف حقی دربارہ مستمندان و
تهیدستان گرفتیم.] (۲۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۲۷﴾

بلکه ما [از لطف خدا هم] محرومیم. (۲۷)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

عاقل ترینشان گفت: آیا به شما نگفتم که چرا خدا را [به پاک بودن
از هر عیب و نقصی] یاد نمی کنید [و چرا او را از انتقام گرفتن
درمانده می دانید؟!؟] (۲۸)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾

گفتند: پروردگارا! تو را به پاکی می ستاییم، مسلماً

ما ستمکار بوده ایم. (۲۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ﴿٣٠﴾

پس به یکدیگر رو کرده به سرزنش و ملامت هم پرداختند. (۳۰)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ﴿٣١﴾

گفتند: وای بر ما که طغیان گر بوده ایم. (۳۱)

عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا
رَاغِبُونَ ﴿۳۲﴾

امید است پروردگارمان بهتر از آن را به ما عوض دهد چون ما [از هر
چیزی دل بریدیم و] به پروردگارمان راغب و علاقه مندیم. (۳۲)

كَذٰلِكَ الْعَذَابُ ۖ وَالْعَذَابُ الْاٰخِرَةُ اَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوۡا
يَعْلَمُوۡنَ ﴿۳۳﴾

چنین است عذاب [دنیا] و عذاب آخرت اگر معرفت و
آگاهی داشتند، بزرگ تر است. (۳۳)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿۳۴﴾

بی تردید برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت‌های

پر نعمت است. (۳۴)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾

آیا ما تسلیم شدگان [به فرمان‌ها و احکام خود] را چون

مجرمان قرار می‌دهیم؟ (۳۵)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۳۶﴾

شما را چه شدہ؟ چگونہ داوری می کنید؟! (۳۶)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

آیا شما را کتابی [آسمانی از نزد خدا] ست که در آن

می خوانید (۳۷)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾

که در آن جهان هر چه را شما بخواهید و انتخاب کنید برای

شما خواهد بود؟! (۳۸)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا
تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾

یا شما را بر ما تا روز قیامت پیمان و سوگند استواری است
که هر چه را به سود خود حکم کنید ویژه شماست؟! (۳۹)

سَأَلْتَهُمُ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾

از آنان پرس کدامشان ضامن آن ادعاست [که مسلمان و

مجرم یکسانند؟!] (۴۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾

یا شریکانی [در ربوبیت خدا] دارند [که از آنان نزد خدا شفاعت
کنند که در اجر و ثواب با مسلمانان یکسان شوند؟] پس اگر
راستگویند، شریکانشان را [به میدان] آورند. (۴۱)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا
يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

[یاد کن] روزی را که کار بر آنان به شدت سخت و دشوار شود، [و آن روز که جای هیچ تکلیف و عبادتی نیست به عنوان سرزنش و ملامت] به سجده کردن دعوت شوند، ولی در خود قدرت و استطاعت [سجده کردن] نیابند! (۴۲)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى
السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ﴿٤٣﴾

دیدگانشان از شرم و حیا، فرو افتاده، خواری و ذلت آنان را فرا گیرد و
اینان [در دنیا] به سجده [بر خدا] دعوت می شدند در حالی که
تندرست بودند [ولی از فرمان خدا متکبرانه روی می گرداندند.] (۴۳)

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ ^ط سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾

پس مرا با کسانی که این قرآن را انکار می کنند واگذار، به زودی ما
آنان را به تدریج از آن جا که نمی دانند [به سوی عذاب]
می کشانیم؛ (۴۴)

وَأْمَلِي لَهُمْ جَإِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾

و [البته] آنان را مهلت می‌دهیم [تا گناهشان را در حال بی‌خبری به
نهایت برسانند]، بی‌تردید نقشه و تدبیر من استوار است. (۴۵)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾

[اینکه دعوت را نمی‌پذیرند] مگر از آنان در برابر ابلاغ رسالت

پاداشی می‌طلبی که از خسارت و زیانش سنگین بارند؟ (۴۶)

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾

یا غیب نزد آنان است و آنان از روی آن [می نویسند] و خود با
تکیه بر آن به ادعاهای خود یقین می کنند و به دیگران هم خبر
می دهند؟ (۴۷)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ إِذْ نَادَى
وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾

پس در برابر حکم و قضای پروردگارت [که هلاک کردن تدریجی این طاغیان است] شکیباش و مانند صاحب ماهی [یونس] مباش [که شتاب در آمدن عذاب را برای قومش خواست و به این علت در شکم ماهی محبوس شد] و در آن حال با دلی مالا مال از اندوه، خدا را ندا داد. (۴۸)

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَأُبِيدَ بِالْعُرَاءِ وَهُوَ
مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾

اگر رحمت و لطفی از سوی پروردگارش او را در نیافته بود، یقیناً
نکوهش شده به صحرایی بی آب و گیاه افکنده می شد. (۴۹)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۵۰﴾

پس پروردگارش او را برگزید و از شایستگان قرار داد (۵۰)

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا
الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

و کافران چون قرآن را شنیدند، نزدیک بود تو را با چشمانشان بلغزانند [و
از پای درآورند] و می گویند: بی تردید او دیوانه است! (۵۱)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

در حالی که قرآن جز مایه تذکر و پند برای جهانیان نیست. (۵۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَاقَّةُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آن روز ثابت و حق [که وقوعش حتمی و تردیدناپذیر است،] (۱)

مَا الْحَاقَّةُ ﴿۲﴾

آن روز ثابت و حق چیست؟ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿۳﴾

و تو چه می دانی که آن روز ثابت و حق چیست؟ (۳)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾

[قوم] ثمود و عاد آن روز کوبنده را انکار کردند؛ (۴)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾

اما قوم ثمود با عذابى سرکش هلاک شدند، (۵)

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾

و اما قوم عاد با تندبادی بسیار سرد و طغیان گر نابود شدند، (۶)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى
الْقَوْمَ فِيهَا صَرَغَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾

که خدا آن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنان مسلط کرد
و [اگر آنجا بودی] می دیدی که آنان مانند تنه های پوسیده و پوک
درختان خرما روی زمین افتاده [و هلاک شده اند]. (۷)

فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

آیا از آنان هیچ باقی مانده‌ای می‌بینی؟ (۸)

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ﴿٩﴾

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و مردم شهرهای زیر و

رو شده [قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند، (۹)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً ﴿١٠﴾

و فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند و خدا هم آنان را

به عذابی سخت گرفت. (۱۰)

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾

هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را در کشتی سوار کردیم، (۱۱)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ﴿١٢﴾

تا آن را برای شما مایه تذکر و بیداری قرار دهیم و گوش شنوا

آن را [به عنوان مایه عبرت و تذکر] حفظ کند. (۱۲)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

پس چون در صور یک بار دمیده شود، (۱۳)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾

و زمین و کوهها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها

یک باره درهم کوبیده و ریز ریز گردند! (۱۴)

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾

پس آن روز است که آن واقعه بزرگ واقع می شود؛ (۱۵)

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فِي يَوْمِئِذٍ وَاهِيَةً ﴿١٦﴾

و آسمان بشکافد و در آن روز است که از هم گسسته و

متلاشی گردد؛ (۱۶)

وَالْمَلَائِكَةُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا^ج وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ
ثَمَانِيَةَ^د ﴿١٧﴾

و فرشتگان [برای اجرای دستورها حق] بر کناره‌ها و اطراف آسمان
قرار می‌گیرند، و در آن روز هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر
فراز همه آنها حمل می‌کنند. (۱۷)

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾

آن روز [همه شما برای حسابرسی به پیشگاه خدا] عرضه
می شوید در حالی که هیچ [عمل و نیت] پوشیده‌ای از شما پنهان
نمی ماند. (۱۸)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمْ أَقْرَأُوا
كِتَابِيَّهٗ ﴿١٩﴾

اما کسی که پرونده اش را به دست راستش دهند، می گوید:

[ای مردم!] پرونده مرا بگیرید و بخوانید. (۱۹)

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ ﴿٢٠﴾

من یقین داشتم که حساب اعمالم را می بینم [به این سبب همه
اعمالم را هماهنگ با احکام خدا انجام دادم و کردار بدم را
اصلاح کردم.] (۲۰)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾

پس او در یک زندگی خوش و پسندیده‌ای است. (۲۱)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾

در بهشتی برین (۲۲)

قُطُوفَهَا دَانِيَةٌ ﴿۲۳﴾

که میوه‌هایش در دسترس است. (۲۳)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾

[به آنان گویند:] بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد به سبب

اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید؛ (۲۴)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ
كِتَابِيهِ ﴿٢٥﴾

و اما کسی که پرونده اعمالش را به دست چپش دهند،
می گوید: ای کاش پرونده ام را دریافت نمی کردم، (۲۵)

وَلَمْ أَذِرْ مَا حِسَابِيَّ * (۲۶)

و نمی دانستم حساب من چیست؟ (۲۶)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾

ای کاش همان مرگ اول [که مرا از دنیا به آخرت انتقال داد]
کارم را یکسره می کرد [و در نیستی ابد قرارم می داد،] (۲۷)

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ^س ﴿٢٨﴾

ثروتم عذاب را از من دفع نکرد، (۲۸)

هَلَّاكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ ﴿٢٩﴾

قدرت و توانم از دست رفت. (۲۹)

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿۳۰﴾

[فرمان آید] او را بگیریید و در غل و زنجیرش کشید، (۳۰)

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ ﴿۳۱﴾

آن گاه به دوزخش دراندازید، (۳۱)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾

سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد ذرع است به بند

کشید، (۳۲)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿۳۳﴾

زیرا او به خدای بزرگ ایمان نمی آورده (۳۳)

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾

و مردم را به اطعام نیازمندان تشویق نمی کرده. (۳۴)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾

پس امروز او را در اینجا دوست مهربان و حمایت گری

نیست؛ (۳۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينِ ﴿٣٦﴾

و نه غذایی مگر چرکاب و کثافات

[ی از بدن اهل دوزخ!] (۳۶)

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾

که آن را جز خطاکاران نمی خورند. (۳۷)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿۳۸﴾

پس سوگند یاد می‌کنم به آنچه [از محسوسات] می‌بینید، (۳۸)

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿۳۹﴾

و آنچه [از غیر محسوسات] نمی بینید، (۳۹)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾

بی تردید این قرآن، گفتار فرستاده‌ای بزرگوار است، (۴۰)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

و آن گفتار یک شاعر نیست، ولی جز اندکی ایمان

نمی آورید، (۴۱)

وَلَا يَقُولِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

و گفتار کاهن هم نیست، ولی جز اندکی متذکر نمی شوید. (۴۲)

تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾

نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. (۴۳)

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾

و اگر [او] پاره‌ای از گفته‌ها را به دروغ بر ما می‌بست، (۴۴)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾

ما او را به شدت می گرفتیم، (۴۵)

ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾

سپس رگ قلبش را پاره می کردیم؛ (۴۶)

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٧﴾

در آن صورت هیچ کدام از شما مانع از عذاب او نبود، (۴۷)

وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

بی تردید این قرآن، وسیله پند و تذکری

برای پرهیزکاران است. (۴۸)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

و ما به یقین می دانیم که از میان شما

انکارکنندگان هست. (۴۹)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾

و این انکار قطعاً مایه حسرت کافران است، (۵۰)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾

و بی تردید این قرآن، حقی یقینی است. (۵۱)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۵۲﴾

پس بہ نام پروردگارت تسبیح گوی. (۵۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

درخواست کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است درخواست کرد، (۱)

لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾

[عذابی که] ویژه کافران است، [و] آن را بازدارنده‌ای نیست. (۲)

مِنْ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾

[این عذاب] از سوی خدای صاحب درجات است. (۳)

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ
خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾

فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است
به سوی او بالا می‌روند. (۴)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾

پس صبر کن صبری نیکو [صبری که در کنارش جزع و

ناخشنودی نباشد.] (۵)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿٦﴾

دشمنان و مخالفان، آن [عذاب] را دور می بینند (۶)

وَنَرَاهُ قَرِيْبًا ﴿۷﴾

و ما آن را نزدیک می بینیم. (۷)

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾

روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد (۸)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾

و کوهها مانند پشم رنگینِ حلاجی شده شود (۹)

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

و هیچ خویشاوند و دوست صمیمی از [اوضاع و احوال]

خویشاوند و دوست صمیمی اش نپرسد! (۱۰)

يُبَصِّرُونَهُمْ^ج يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ

بَيْنِيهِ ﴿ ١١ ﴾

آنان را نشانشان می دهند [ولی به خاطر دل مشغولی خود هرگز به
آنان توجه نکنند!] گنهکار آرزو می کند که ای کاش می توانست
فرزندانش را در برابر عذاب آن روز فدیة و عوض دهد! (۱۱)

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾

و نیز همسر و برادرش را (۱۲)

وَفَصِيَّاتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿١٣﴾

و قبیله و قومش را که [در دنیا] به او پناه می دادند، (۱۳)

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ﴿١٤﴾

و نیز همه کسانی را که در روی زمین اند تا [این فدیہ و

عوض] او را [از عذاب آن روز] نجات دهد! (۱۴)

كَلَّا إِنَّهَا لَنظَىٰ ﴿١٥﴾

این چنین نیست [که برایش راه نجاتی باشد] همانا آتش

زبانه می کشد، (۱۵)

نَزَّاعَةٌ لِّلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾

در حالی که دست و پا و پوست سر را بر می کند!! (۱۶)

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى ﴿١٧﴾

هر که را به حق پشت کرده و از دعوت حق روی گردانده،

می طلبد، (۱۷)

وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ﴿١٨﴾

و آن را که ثروت جمع کرده و به ذخیره سازی و انباشتن

پرداخته، می خواند؛ (۱۸)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾

همانا انسان حریص و بی تاب آفریده شده است؛ (۱۹)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿٢٠﴾

چون آسیبی به او رسد، بی تاب است، (۲۰)

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٢١﴾

و هنگامی که خیر و خوشی [و مال و رفاهی] به او رسد،

بسیار بخیل و بازدارنده است، (۲۱)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾

مگر نماز گزاران، (۲۲)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾

آنان که همواره بر نمازشان مداوم و پایدارند، (۲۳)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾

و آنان که در اموالشان حقی معلوم است (۲۴)

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾

برای درخواست کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و

ثروت،] (۲۵)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٢٦﴾

و آنان که همواره روز پاداش را باور دارند، (۲۶)

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٢٧﴾

و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند، (۲۷)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٨﴾

زیرا که از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست، (۲۸)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٢٩﴾

و آنان که دامنشان را [از آلوده شدن به شهوات حرام] حفظ

می کنند، (۲۹)

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ
مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾

مگر در کام جویی از همسران و کنیزانشان که آنان در این
زمینه مورد سرزنش نیستند. (۳۰)

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٣١﴾

پس کسانی که در بهره گیری جنسی راهی غیر از این

جویند، تجاوزکار از حدود حق اند، (۳۱)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿۳۲﴾

و آنان که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند، (۳۲)

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿۳۳﴾

و آنان که بر ادای گواهی های خود پای بند و متعهدند، (۳۳)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۳۴﴾

و آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی]

نمازهایشان محافظت دارند. (۳۴)

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿٣٥﴾

اینان در بهشت‌ها، مکرم و محترم‌اند (۳۵)

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ﴿۳۶﴾

کافران را چه شده که به تو چشم دوخته به سویت شتابانند؟ (۳۶)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٣٧﴾

از راست و چپ، گروه گروه، (۳۷)

أَيُّطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿٣٨﴾

آیا هر یک از آنان طمع دارد که او را در بهشت پر نعمت

در آورند؟! (۳۸)

كَلَّا ۖ اِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ﴿۳۹﴾

این چنین نیست، ما آنان را از آنچه خود می دانند [آبی

گندیده و بی مقدار] آفریدیم. (۳۹)

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ ﴿٤٠﴾

به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها سوگند که ما تواناییم،

(۴۰)

عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾

بر اینکه به جای آنان بهتر از آنان را بیاوریم؛ و هیچ چیز ما را

مغلوب نمی‌کند. (۴۱)

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي
يُوعَدُونَ ﴿٤٢﴾

پس آنان را واگذار تا [در گفتار باطل] فروروند و مشغول بازی
باشند، تا روزشان را که به آنان وعده داده‌اند دیدار کنند، (۴۲)

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ
يُوفِضُونَ ﴿٤٣﴾

روزی که شتابان از خاک بیرون آیند، گویی به سوی
نشانه‌های نصب شده می‌دوند، (۴۳)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةً جَ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا
يُوعِدُونَ ﴿٤٤﴾

درحالی که دیدگانشان [از شدت ترس] فرو افتاده، خواری و ذلت
آنان را می پوشاند. این همان روزی است که همواره وعده داده
می شدند. (۴۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را پیش از آنکه عذابی

دردناک به آنان رسد، بیم ده. (۱)

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾

گفت: ای قوم من! همانا من شما را بیم دهنده‌ای آشکارم، (۲)

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا (۳)

که خدا را پرستید و از او پروا کنید و از من اطاعت نمایید، (۳)

يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ
 أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ ۗ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

تا خدا گناهانتان را بیامرزد و شما را تا زمانی معین مهلت دهد.
 اگر آگاهی داشته باشید [توجه خواهید کرد که] بی تردید هنگامی
 که اجل خدایی فرا رسد، تأخیر نخواهد داشت. (۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾

گفت: پروردگارا! همانا قوم خود را شب و روز [به آیین

توحید] دعوت کردم، (۵)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾

ولی دعوت من جز بر فرارشان نیفزود، (٦)

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ
وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا ﴿۷﴾

و من هرگاه آنان را دعوت کردم تا آنان را بیامرزی، انگشتان خود را
در گوش‌هایشان کردند و جامه‌هایشان را به سر کشیدند و بر انکار
خود پافشاری ورزیدند و به شدت تکبر کردند، (۷)

يٰۤاَيُّهَا اِيۤمٰنُ دَعُوۡهُمْ جِهٰرًا ﴿۸﴾

آن گاه آنان را آشکارا دعوت کردم، (۸)

يٰۤاَيُّهَا اِنۡبِيَآءُ بَنِي اٰدَمَ اَعۡلَنۡتُمْ لِهٰٓؤُلَآءِ مَا كَفَرُوۡا وَاَسۡرَرۡتُمْ لَهُمۡۗ اِسۡرَارًا ﴿۹﴾

سپس آشکار و پنهان آنان را خواندم. (۹)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۰﴾

پس [به آنان] گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او

همواره بسیار آمرزنده است. (۱۰)

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١١﴾

تا بر شما از آسمان باران پی در پی و با برکت فرستد، (۱۱)

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ
جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ
أَنْهَارًا ﴿١٢﴾

و شما را با اموال و فرزندان یاری کند، و برایتان باغها و

نهرها قرار دهد، (۱۲)

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿۱۳﴾

شما را چه شده که [ربوبیت خدا را نفی کرده و در نتیجه از بندگی
اش دست برداشته و] به عظمت و بزرگی خدا امید ندارید؟ (۱۳)

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾

در حالی که شما را مرحله به مرحله [خاک، نطفه، علقه،

مضغه، گوشت، استخوان و...] آفریده است (۱۴)

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾

آیا ندانسته‌اید که خدا هفت آسمان را چگونه بر فراز یکدیگر

آفرید؟ (۱۵)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾

و ماه را در میان آنها روشنی بخش، و خورشید را چراغ

فروزان قرار داد، (۱۶)

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾

و خدا شما را از زمین [مانند] گیاهی رویانید، (۱۷)

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾

سپس شما را در آن باز می گرداند و باز به صورتی ویژه بیرون

می آورد، (۱۸)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾

و خدا زمین را برای شما فرشی گسترده قرار داد، (۱۹)

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاثًا ﴿٢٠﴾

تا از راهها و جاده‌های وسیع آن [هر جا که

خواستید] بروید؟ (۲۰)

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ
وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾

نوح گفت: پروردگارا! آنان از من نافرمانی کردند و از کسانی
[چون سردمداران کفر و متولیان بتخانه] پیروی نمودند که اموال و
فرزندانشان جز خسارت و زیانی بر آنان نیفزود! (۲۱)

وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾

و [این پیشوایان گمراهی، برای گمراه نگاه داشتن این مردم]

نیرنگی بزرگ به کار گرفتند، (۲۲)

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا
يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾

و گفتند: دست از معبودانتان بر ندارید، و هرگز [بت‌های]

وَدّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید؛ (۲۳)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا ۗ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾

همانا بسیاری را گمراه کردند. و [پروردگارا!] ستمکاران را

جز گمراهی میفزاید. (۲۴)

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ
دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾

[همه آنان] به سبب گناهانشان غرق شدند و بی درنگ در آتشی درآورده

شدند که [از آن] در برابر خدا برای خود یاورانی نیافتند، (۲۵)

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ
دَيَّارًا ﴿٢٦﴾

و نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین

باقی مگذار (۲۶)

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا
كَفَّارًا ﴿٢٧﴾

که اگر آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز
نسلی بدکار و ناسپاس زاد و ولد نمی کنند. (۲۷)

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٨﴾

پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه ام
درآید و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرزد، و ستمکاران را جز
هلاکت میفزاید. (۲۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا
 قُرْآنًا عَجَبًا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: به من وحی شده که گروهی از جن [به قرآن] گوش دادند و

گفتند: همانا ما قرآن شگفت آوری شنیدیم، (۱)

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾

که به سوی راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و

هرگز احدی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد، (۲)

وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾

و [این حقایق را اعتراف و اقرار می کنیم:] اینکه برتر و بلند است
عظمت پروردگارمان، و او هرگز برای خود همسری و فرزندی
نگرفته است، (۳)

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾

و اینکه سبک مغز و نادان ما همواره درباره خدا سخنی دور

از حق می گفت [که او دارای همسر و فرزند است!] (۴)

وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾

و اینکه گمان می کردیم، هرگز انس و جن بر خدا دروغ

نمی بندند، (۵)

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ
فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾

و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند، پس
[مردان جن] بر طغیان و تباهی آنان افزودند، (۶)

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾

و مردانی از انس پنداشتند چنان که شما [جنیان] پنداشتید

که خدا هرگز کسی را [به نبوت] بر نمی انگیزد! (۷)

وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا
وَشُهَبًا ﴿٨﴾

و اینکه [برای کسب خبر] به آسمان نزدیک شدیم، پس آن را
پراز نگهبانان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم، (۸)

وَأَنَا كُنَّا نَقُودُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ
لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ﴿٩﴾

و اینکه ما در آسمان برای شنیدن [خبرهای ملکوتی و سخنان فرشتگان] در نشست گاه‌هایی می‌نشستیم، ولی اکنون هر که بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می‌یابد! (۹)

وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدُ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ
رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿١٠﴾

و اینکه ما نمی دانیم آیا درباره کسانی که در زمین هستند گزند و
شری خواسته شده یا پروردگارشان برای آنان هدایت خواسته
است؟ (۱۰)

وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ طِبْنَا طَرَائِقَ
قِدًّا ﴿ ۱۱ ﴾

واینکه از ما برخی شایسته و برخی غیر شایسته‌اند، [و] ما بر
مذاهب گوناگون و متفاوتی هستیم، (۱۱)

وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ
هَرَبًا ﴿١٢﴾

و اینکه ما یقین داریم که هرگز نمی‌توانیم خدا را در زمین عاجز و
درمانده کنیم و هرگز نمی‌توانیم [با گریختن و فرار] از دسترس
قدرت او بیرون رویم، (۱۲)

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ ۖ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا
يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿۱۳﴾

و اینکه چون هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ زیرا کسی که
به پروردگارش ایمان آورد نه از کاسته شدن ثواب می ترسد و نه از
اینکه عذاب و سختی و مشقت و رنج او را احاطه کند، (۱۳)

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ
تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾

و اینکه گروهی از ما تسلیم [فرمان‌ها و احکام] خدایند، و برخی منحرف‌اند، پس کسانی که تسلیم شدند در صدد یافتن حقیقت و راه مستقیم‌اند، (۱۴)

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾

ولی منحرفان هیزم دوزخ اند، (۱۵)

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً
غَدَقًا ﴿١٦﴾

و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را
از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد، (۱۶)

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ^ج وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا
صَعْدًا ﴿١٧﴾

تا آنان را در زمینه فراوانی نعمت بیازماییم و کسی که از یاد پروردگارش روی برگرداند، او را در عذابی بسیار سخت و روز افزون درخواهد آورد، (۱۷)

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾

و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا میپرستید، (۱۸)

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ

لَبِدًا ﴿١٩﴾

و اینکه هنگامی که بنده خدا [محمد] بر می خاست تا خدا را عبادت کند [از جنیان به اندازه‌ای به سویش هجوم می بردند که] نزدیک بود جمعیت انبوه و متراکمی بر سر او بریزد، (۱۹)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾

بگو: من فقط پروردگارم را می پرستم، و هیچ کس را شریک

او قرار نمی دهم. (۲۰)

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾

بگو: من اختیار زیان و هدایتی را برای شما ندارم. (۲۱)

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ
مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾

بگو: [اگر از او نافرمانی کنم] هرگز کسی در برابر [عذاب] خدا
مرا پناه نمی‌دهد، و هرگز پناهگاهی غیر او نمی‌یابم. (۲۲)

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ﴿۲۳﴾

[وظیفه من] فقط رساندن [برنامه‌های سعادت بخش] از سوی خدا و
[رساندن] پیام‌های اوست. و آنان که از خدا و پیامبرش نافرمانی کنند، مسلماً
آتش دوزخ برای آنان است و در آن جاودانه و همیشگی اند. (۲۳)

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَضْعَفُ
 نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾

[اینان همواره شما را ضعیف و ناتوان و بی یار می شمارند] تا زمانی که آنچه را [از عذاب] وعده داده می شوند ببینند، پس به زودی آگاه می شوند چه کسی یاورش ناتوان تر و نفراتش کمتر است؟ (۲۴)

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي
أَمَدًا ﴿٢٥﴾

بگو: نمی دانم آیا آنچه را وعده داده می شوید نزدیک است یا
پروردگارم برای آن زمانی طولانی قرار خواهد داد؟ (۲۵)

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾

[او] دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه

نمی‌کند؛ (۲۶)

إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾

مگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از غیب] برگزیده است، پس
نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت سرشان
می‌گمارد (۲۷)

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ
 وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

تا مشخص کند که پیام‌های پروردگارشان را [به طور کامل به مردم] رسانده‌اند و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد، و همه چیز را از جهت عدد، شماره و احصا کرده است. (۲۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الْمُرْمِلُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ای جامه بر خود پیچیده! (۱)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾

شب را جز اندکی [که ویژه استراحت است، برای عبادت]

برخیز؛ (۲)

نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿۳﴾

نصف [همہ ساعات] شب [را بہ عبادت اختصاص ده] یا

اندکی از نصف بکاه، (۳)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾

یا [مقداری] بر نصف بیفزا، و قرآن را شمرده و روشن و با

تأمل و دقت بخوان. (۴)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾

به یقین ما به زودی گفتاری سنگین [چون آیات قرآن] به تو

القا خواهیم کرد. (۵)

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً ﴿٦﴾

بی تردید عبادت [ی که در دل] شب [انجام می گیرد] محکم تر و

پایدارتر و گفتار در آن استوارتر و درست تر است. (۶)

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾

تورا در روز [برای مشاغل فراوان معنوی و هدایت مردم و حل مشکلات نیازمندان،] رفت و آمدی طولانی است [پس ساعات شب برای عبادت فرصتی بهتر است.] (۷)

وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾

نام پروردگارت را [به زبان حال و قال] یاد کن [و از غیر او

قطع امید نما] و فقط دل بر او بند. (۸)

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾

[همان که] پروردگار مشرق و مغرب [است]، هیچ معبودی جز او

نیست، پس او را وکیل و کارساز خود انتخاب کن، (۹)

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿۱۰﴾

و بر گفتار [و آزار] مشرکان شکبیا باش و از آنان به شیوه‌ای

پسندیده دوری کن، (۱۰)

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾

و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و نازپرورده واگذار و آنان را

اندکی مهلت ده، (۱۱)

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾

که حتماً [برای آنان] نزد ما [به کیفر اعمالشان] زنجیرهایی

گران و آتشی به شدت شعله‌ور است، (۱۲)

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۳﴾

و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک است، (۱۳)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا

مَهِيلاً ﴿١٤﴾

در روزی که زمین و کوهها به لرزه درآیند، و کوهها به صورت

توده‌ای شن روان گردند! (۱۴)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ
فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾

ما پیامبری که گواه بر [اعمال] شماست، به سویتان فرستادیم،

همان گونه که به سوی فرعون، رسولی فرستادیم؛ (۱۵)

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً ﴿١٦﴾

پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد، پس او را به عذابی

سخت گرفتیم. (۱۶)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾

اگر امروز کفر بورزید، پس چگونه خود را [از عذاب] روزی
که کودکان را پیر می کند، حفظ می نمایید؟! (۱۷)

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ^ج كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾

آسمان به سبب شدت و کوبندگی آن روز، درهم شکافته

می شود و قطعاً وعده خدا شدنی است. (۱۸)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ^{۲۸}فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

بی تردید این [قرآن] مایه تذکر و پند است، پس هر کس بخواهد

راهی به سوی پروردگارش [باتکیه براین قرآن] برگزیند. (۱۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ
 مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۚ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ
 عَلَيْكُمْ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ
 وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ

پروردگارت آگاه است که تو و گروهی از کسانی که با تو، نزدیک به دو سوم شب و گاهی نیمی از آن و زمانی یک سومش را [برای عبادت و خواندن قرآن] برمی خیزد، و خدا شب و روز را [دقیق و منظم] اندازه گیری می کند، و برای او مشخص است که شما هرگز نمی توانید [به علت کوتاهی و بلندی شب در طول سال، دو سوم و نصف و یک سوم را دقیقاً] اندازه گیری کنید، پس [اندازه گیری دقیق را] بر شما بخشید؛ بنابراین آنچه را از قرآن برای شما

فَضِّلِ اللّٰهَ ۙ وَآخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۖ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ ۚ
 وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا
 لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا
 اللّٰهَ ۖ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٠﴾

میسر است بخوانید. او می داند که به زودی برخی از شما بیمار می شوند، و گروهی برای به دست آوردن رزق و روزی خدا در زمین سفر می کنند، و بعضی در راه خدا می جنگند؛ پس آنچه را از آن میسر است بخوانید و نماز را برپا دارید و زکات پردازید و وام نیکو به خدا بدهید؛ و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگ ترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ای جامه بر خود پوشیده! (۱)

قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾

برخیز و بیم ده، (۲)

وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ ﴿۳﴾

و پروردگارت را بزرگ دار، (۳)

وَتِيَابِكَ فَطَهَّرَ ﴿٤﴾

و جامہ ات را پاک کن، (۴)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾

و از پلیدی دور شو (۵)

وَلَا تَمُنُّ بِتَسْتَكْبِرُ ﴿٦﴾

و [احسانت را بر دیگران] در حالی که [آن را] بزرگ و فراوان

بینی، منت مگذار، (۶)

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿۷﴾

و [بر آزار دشمنان] برای پروردگارت شکیبایی ورز. (۷)

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾

پس زمانی که در صور دمیده شود، (۸)

فَذٰلِكَ يَوْمًا۟ عَسِيْرًا ﴿۹﴾

آن روز، روز بسیار سختی است، (۹)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾

بر کافران آسان نیست، (۱۰)

ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿۱۱﴾

مرا با کسی کہ او را بہ تنہایی آفریدم واگذار، (۱۱)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾

و برایش ثروت گسترده و فراوان قرار دادم، (۱۲)

وَبَيْنَ شُهُودًا ﴿۱۳﴾

و فرزندانی که نزدش حاضرند (۱۳)

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾

و نعمت‌ها [ی مادی و وسایل زندگی] را به طور کامل برای

او فراهم آوردم، (۱۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾

باز هم طمع دارد که بیفزایم. (۱۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾

این چنین نیست؛ زیرا او همواره به آیات ما دشمنی می ورزد، (۱۶)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ﴿١٧﴾

به زودی او را به بالا رفتن از گردنه عذابی بسیار سخت

مجبور می کنم. (۱۷)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿۱۸﴾

او [برای باطل کردن دعوت قرآن] اندیشید و [آن را] سنجید؛ (۱۸)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿۱۹﴾

پس مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۱۹)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿۲۰﴾

باز هم مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۲۰)

ثُمَّ نَنْظُرْ (۲۱)

آن گاه نظر کرد، (۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿۲۲﴾

سپس چهره درهم کشید و قیافه نفرت آمیز به خود گرفت، (۲۲)

ثُمَّ أَذْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿۲۳﴾

آن گاه [از قرآن] روی گردانید و تکبر ورزید؛ (۲۳)

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾

پس گفت: این قرآن جز جادویی که از جادوگران پیشین

حکایت شده چیزی نیست، (۲۴)

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

این جز سخن بشر نمی باشد. (۲۵)

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

به زودی او را در سقر در آورم (۲۶)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرُ ﴿۲۷﴾

و تو چه می دانی سقر چیست؟ (۲۷)

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

[آتشی است که] نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند؛ (۲۸)

لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

پوست بدن را [همه جانبه] دگرگون می کند؛ (۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾

بر آن نوزده نفر [موکل] گمارده اند (۳۰)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً^۱ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً^۲
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا^۳
 وَلَا يَزْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ^۴ وَلِيَقُولَ

ما موگلان آتش را جز فرشتگان قرار نداده‌ایم، و شماره آنان را جز
 آزمایشی برای کافران مقرر نکرده‌ایم تا اهل کتاب [به خاطر هماهنگی
 قرآن با کتابشان] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل
 کتاب و مؤمنان [در حقانیت قرآن] تردید نکنند،

وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۚ كَذَلِكَ
يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۚ
وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

و تا بیمار دلان و کافران بگویند: خدا از توصیف گماشتگان آتش به این [نورده
نفر] چه هدفی دارد؟ این گونه خدا هر که را بخواهد [پس از بیان حقیقت] گمراه
می کند و هر که را بخواهد هدایت می نماید، و سپاهیان پروردگارت را جز خود
او کسی نمی داند، و این قرآن فقط مایه تذکر و پند برای بشر است. (۳۱)

كَأَلَّا وَالْقَمَرَ ﴿۳۲﴾

این چنین نیست [که کافران می‌پندارند که این حقایق افسانه
است،] سوگند به ماه (۳۲)

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ ﴿۳۳﴾

[و] سوگند به شب هنگامی که پشت می کند (۳۳)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

و سوگند به صبح زمانی که از پرده سیاه شب درآید و رخ

نماید (۳۴)

إِنَّهَا لِأَخَذَى الْكُبْرِ ﴿٣٥﴾

که بی تردید این [قرآن] از بزرگ ترین پدیده‌هاست؛ (۳۵)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

هشدار دهنده به بشر است، (۳۶)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾

برای هر کس از شما که بخواهد [به وسیله ایمان، طاعت و انجام کار

خیر] پیشی جوید یا [به سبب کفر، طغیان و گناه] پس ماند؛ (۳۷)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ ﴿۳۸﴾

هر کسی در گرو دست آورده‌های خویش است، (۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

مگر سعادت‌مندان (۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾

که در بهشت‌ها از یکدیگر می‌پرسند (۴۰)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

از روز و حال گنهکاران، (۴۱)

مَا سَأَلَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾

[به آنان رو کرده] می گویند: چه چیز شما را به دوزخ وارد

کرد؟ (۴۲)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾

می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾

و به تهیدستان و نیازمندان طعام نمی دادیم (۴۴)

وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾

و با فرورفتگان [در گفتار و کردار باطل] فرومی رفتیم، (۴۵)

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤٦﴾

و همواره روز جزا را انکار می کردیم (۴۶)

حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾

تا آنکه مرگ ما فرا رسيد. (۴۷)

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾

پس آنان را شفاعت شفیعان سودی نمی دهد؛ (۴۸)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾

آنان را چه شده که از تذکر و هشدار روی گردانند؟ (۴۹)

كَانَهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾

گویی گورخرانی وحشی و رمیده‌اند (۵۰)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾

که از [چنگال] شیری گریخته‌اند؛ (۵۱)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُنشَرَةً ﴿٥٢﴾

بلکه هر کدام از آنان توقع دارد نامه‌هایی سرگشاده [از سوی

خدا] دریافت دارد! (۵۲)

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾

این چنین نیست [که علت فرارشان از دین برای دریافت نکردن
نامه باشد] بلکه [فرارشان برای این است که] از آخرت
نمی ترسند؛ (۵۳)

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرَةٌ ﴿٥٤﴾

این چنین نیست [که نامه سرگشاده‌ای از سوی ما به آنان رسد]،
بلکه بی تردید این قرآن تذکر و هشدار است [که برای جهانیان
کافی است]. (۵۴)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿۵۵﴾

پس هر که بخواهد از آن پند گیرد، (۵۵)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ
الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

و از آن پند نمی گیرند مگر آنکه خدا بخواهد، او سزاوار است که
از وی پروا کند، و سزاوار است که به آمرزشش امید بندند. (۵۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

به روز قیامت سوگند می خورم، (۱)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾

و به نفس سرزنش گر قسم می خورم. (۲)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ ﴿٣﴾

آیا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع

نخواهیم کرد؟ (۳)

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾

چرا در حالی که تواناییم که [خطوط] سر انگشتانش را

درست و نیکو بازسازی کنیم، (۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾

[نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می خواهد [با دست و پا
زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده ای قوی
است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (۵)

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾

[با حالتی آمیخته با تردید] می پرسد: روز قیامت

چه وقت است؟ (۶)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ﴿۷﴾

پس هنگامی [است] که چشم [از سختی و هولناکی آن]

خیره شود، (۷)

وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿۸﴾

و ماه تاریک و بی نور گردد، (۸)

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

و خورشید و ماه به هم جمع شوند. (۹)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ ﴿١٠﴾

آن روز انسان گوید: گریزگاه کجاست؟ (۱۰)

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾

این چنین نیست، هرگز پناهگاهی وجود ندارد. (۱۱)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿۱۲﴾

آن روز قرارگاه [نهایی] فقط به سوی پروردگار توست. (۱۲)

يُنْبَأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾

آن روز است که انسان را به اعمالی که از دیرباز یا پس از آن

انجام داده، آگاه می کنند. (۱۳)

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾

بلکه انسان خود به وضع خویش بیناست. (۱۴)

وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ ﴿۱۵﴾

و هر چند [برای توجیه گناهانش] بهانه‌ها بتراشد (۱۵)

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾

[پیش از پایان یافتن وحی به وسیله جبرئیل] زبانت را به

حرکت در نیاور تا در خواندن آن شتاب ورزی. (۱۶)

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿۱۷﴾

بی تردید گردآوردن و [به هم پیوند دادن آیات که بر تو وحی می شود و چگونگی] قرائتش بر عهده ماست، (۱۷)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾

پس هنگامی که آن را [به طور کامل] خواندیم، [به همان

صورت] خواندنش را دنبال کن. (۱۸)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

سپس توضیح و بیانش نیز بر عهده ماست. (۱۹)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾

[اینکه می‌پندارید قیامتی در کار نیست] این چنین نیست،

بلکه شما عاشق این دنیای زودگذر هستید، (۲۰)

وَتَذَرُونَ الْأَرْضَ ﴿۲۱﴾

و همواره آخرت را [برای این عشق بی پایه] رها می کنید.

(۲۱)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ﴿٢٢﴾

در آن روز چهره‌هایی شاداب است؛ (۲۲)

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾

[با دیده دل] به پروردگارش نظر می کند (۲۳)

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٢٤﴾

و چهره‌هایی عبوس و درهم کشیده است؛ (۲۴)

تَنْظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾

چون یقین دارند که در معرض عذابی کمرشکن

قرار خواهند گرفت. (۲۵)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾

این چنین نیست [که می پندارد]، هنگامی که

جان به گلوگاه رسد، (۲۶)

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٧﴾

و [کسان بیمار] گویند: درمان کننده این بیمار کیست؟ (۲۷)

وَزَنًّا أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾

و [بیمار] یقین می کند [که با رسیدن جان به گلوگاه] زمان
جدایی [از دنیا، ثروت، زن و فرزند] فرا رسیده است! (۲۸)

وَأَتَقَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾

و [از سختی جان کندن] ساق به ساق به هم پیچد؛ (۲۹)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

آن روز، روز سوق و مسیر به سوی پروردگار توست. (۳۰)

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى ﴿۳۱﴾

[در آن حال فرشتگان می گویند: این به کام مرگ افتاده] نه

[دعوت پیامبر را] باور کرد، و نه نماز خواند؛ (۳۱)

وَلٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلٰى ﴿۳۲﴾

بلکه [در میان اجتماعات] تکذیب کرد و روی گرداند؛ (۳۲)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿۳۳﴾

سپس متکبرانه و خرامان به سوی کسانش رفت. (۳۳)

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٤﴾

[و گویند: با این وضعی که داری، عذاب دوزخ] برای تو

شایسته تر است، شایسته تر! (۳۴)

ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٥﴾

باز هم شایسته تر است شایسته تر. (۳۵)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾

آیا انسان گمان می کند بیهوده و مهمل [و بدون تکلیف و

مسئولیت] رها می شود؟! (۳۶)

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾

آیا نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟ (۳۷)

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ فِئْتَانٍ مِّنْهُمَا
مُجْرِمِينَ ۖ فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾

سپس علقه شد و خدا او را آفرید و اندامش را درست و نیکو

ساخت، (۳۸)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٩﴾

و از او دو زوج به وجود آورد یکی نر و دیگر ماده، (۳۹)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیا چنین نیرومند آگاهی توانا نیست که مردگان را زنده کند؟ (۴۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا

مَذْكُورًا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آیا بر انسان زمانی از روزگار گذشت که چیزی در خور ذکر نبود؟ (۱)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا
بَصِيرًا ﴿٢﴾

ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی [از مواد و عناصر] آفریدیم و او را
از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی [از نطفه به علقه، از علقه به
مضغه، از مضغه به استخوان تا طفلی کامل] درآوردیم، پس او را شنوا و
بینا قرار دادیم. (۲)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾

ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا

ناسپاس. (۳)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾

ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش فروزان آماده کرده ایم. (۴)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

همانا نیکان همواره از جامی می نوشند که نوشیدنی اش

آمیخته به کافور [آن ماده سرد، سپید و معطر] است. (۵)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾

آن جام از چشمه‌ای است که همواره بندگان خدا از آن می‌نوشند و
آن را به دلخواهشان هرگونه که بخواهند جاری می‌نمایند. (۶)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾

[همانان که] همواره نذرشان را وفا می کنند، و از روزی که

آسیب و گزندش گسترده است، می ترسند، (۷)

وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾

و غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر

انفاق می کنند. (۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا

شُكُورًا ﴿٩﴾

[و می گویند:] ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می کنیم و

انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم. (۹)

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾

ما از پروردگارمان در روزی که روز عبوس و بسیار هولناکی

است می ترسیم. (۱۰)

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾

پس خدا نگه دار آنان از آسیب و گزند آن روز است و

شادابی و شادمانی به آنان عطا می کند. (۱۱)

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾

و آنان را برای اینکه [در برابر تکالیف دینی و حوادث روزگار]
شکیبایی ورزیدند، بهشتی [عنبرسرشت] و لباسی ابریشمین
پاداش می دهد. (۱۲)

مُتَكِّئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ^طلَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا
زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾

در آنجا بر تخت‌ها تکیه می‌زنند، در حالی که آفتابی [که از
گرمایش ناراحت شوند] و سرمایی [که از سختی اش به زحمت
افتند] نمی‌بینند، (۱۳)

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾

و سایه‌های درختان به آنان نزدیک و میوه‌هایش به آسانی در

دسترس است، (۱۴)

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ
قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾

و ظرف‌هایی از نقره فام، و قدح‌هایی بلورین [که پر از غذا و نوشیدنی است] پیرامون آنان می‌گردانند؛ (۱۵)

قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾

جام‌هایی از نقره که آنها را به اندازه مناسب اندازه‌گیری

کرده‌اند، (۱۶)

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾

و در آنجا جامی که نوشیدنی اش آمیخته به زنجبیل است، به

آنان می نوشانند، (۱۷)

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾

از چشمه‌ای در آنجا که «سلسبیل» نامیده شود، (۱۸)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا
مَنْثُورًا ﴿١٩﴾

و پیرامونشان نوجوانانی جاودانی [برای پذیرایی از آنان] می‌گردند، که
چون آنان را بینی پنداری مرواریدی پراکنده‌اند، (۱۹)

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾

و چون آنجا را ببینی، نعمتی فراوان و کشوری بزرگ بینی، (۲۰)

عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ ۖ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ
فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿۲۱﴾

بر اندامشان جامه‌هایی از حریر نازک و سبز رنگ و دیبای ستبر
است و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند، و پروردگارشان باده
طهور به آنان می‌نوشاند. (۲۱)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾

[به آنان گوید:] یقیناً این [نعمت‌ها] پاداش شماست و

تلاشتان مقبول افتاده است؛ (۲۲)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾

به راستی ما قرآن را به تدریج بر تو نازل کردیم؛ (۲۳)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾

پس در برابر فرمان پروردگارت شکیباش، و از هیچ

گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن، (۲۴)

وَإِذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾

و صبح و شام نام پروردگارت را یاد کن. (۲۵)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾

و پاره‌ای از شب را سر به سجده گذار، و او را در شب

طولانی تسبیح گوی. (۲۶)

إِنَّ هُوَ لَءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا
ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾

بی تردید اینان [که گنهکار و ناسپاس اند] دنیای زودگذر را دوست دارند [و فقط برای به دست آوردن آن می کوشند] و روز هولناک و سختی را که پیش رو دارند وامی گذارند. (۲۷)

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ^ط وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ

تَبْدِيلًا ﴿٢٨﴾

ما آنان را آفریدیم و مفاصلشان را [با رشته‌های اعصاب و عضلات] محکم و استوار کردیم، و هرگاه بخواهیم [آنان را نابود می‌کنیم و] امثال و نظایرشان را [که مطیع و فرمانبردارند] به جای آنان قرار می‌دهیم. (۲۸)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ^{۲۸} فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿۲۹﴾

همانا این [آیات قرآن] تذکر و هشدار است؛ پس هر کس بخواهد

راهی به سوی پروردگارش [با تکیه بر این آیات] برگزیند، (۲۹)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا ﴿۳۰﴾

و تا خدا نخواهد، نخواهید خواست؛ یقیناً خدا همواره دانا و
حکیم است. (۳۰)

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
أَلِيمًا ﴿٣١﴾

هر کس را بخواهد در رحمتش درآورد و برای ستمکاران
عذابی دردناک آماده کرده است. (۳۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به آن فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند، (۱)

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ﴿۲﴾

و سوگند به آن فرشتگانی که [برای آوردن وحی در سرعت

حرکت] چون تندبادند. (۲)

وَالنَّاسِرَاتِ نَشْرًا ﴿۳﴾

و سوگند به آن فرشتگانی که گشاینده صحیفه‌های وحی اند، (۳)

فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا ﴿٤﴾

و سوگند به آن فرشتگانی که جدا کننده حق از باطل اند، (۴)

فَالْمُؤَقِّاتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾

و سوگند به آن فرشتگانی که القاکننده آیات آسمانی به

پیامبران [اند،] (۵)

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ﴿٦﴾

تا حجت [باشد برای اهل ایمان] و بیم و هشدار باشد [برای

کافران] (۶)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ ﴿۷﴾

[به همه این حقایق سوگند] که آنچه [به عنوان روز قیامت]

وعده داده می شوید بی تردید واقع شدنی است. (۷)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾

در آن زمان که ستارگان محو و تاریک شوند، (۸)

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾

و آن زمانی که آسمان بشکافد. (۹)

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿۱۰﴾

و آن زمان که کوهها از بیخ و بن کنده شوند. (۱۰)

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِيتَتْ ﴿۱۱﴾

و آن زمان که وقت حضور پیامبران [برای گواهی بر امت‌ها]

معین شود. (۱۱)

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

این امور برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (۱۲)

لَيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٣﴾

برای روز داوری (۱۳)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾

و تو چه می دانی روز داوری چیست؟ (۱۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان؛ (۱۵)

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾

آیا پیشینان را [به سبب تکذیبشان] هلاک نکردیم؟ (۱۶)

ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾

سپس بہ دنبال آنان دیگران را ہم [بہ سبب تکذیبشان]

ہلاک می کنیم. (۱۷)

كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٨﴾

با گنهكاران اين گونه رفتار مي كنيم. (۱۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۹)

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ ﴿٢٠﴾

آیا شما را از آبی پست و بی مقدار نیافریدیم؟ (۲۰)

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٢١﴾

پس آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم (۲۱)

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢٢﴾

تا زمانی معین؛ (٢٢)

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿۲۳﴾

پس توانا بودیم و چه نیکو تواناییم. (۲۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۴)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾

آیا زمین را فراهم آورنده [انسان‌ها] قرار ندادیم؟ (۲۵)

أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾

هم در حال حیاتشان و هم زمان مرگشان (۲۶)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً
فُرَاتًا ﴿٢٧﴾

و کوه‌های استوار و بلند در آن قرار دادیم و شما را آبی گوارا
نوشانیدیم. (۲۷)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۸)

انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾

[آن روز به آنان گویند:] به سوی آتشی که همواره آن را

تکذیب می کردید، بروید؛ (۲۹)

انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿۳۰﴾

و [نیز] به سوی سایه‌ای [از دود متراکم و آتش زا] که دارای

سه شاخه است، بروید. (۳۰)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾

[سایه‌ای که] نه مانع از حرارت است، و نه از شعله‌های آتش

جلوگیری می‌کند. (۳۱)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾

آن آتش، شراره‌هایی چون ساختمان بلند پرتاب می‌کند. (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ﴿۳۳﴾

گویی آن شراره‌ها هم چون شتران زرد رنگ هستند. (۳۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۴)

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾

این روزی است که [انسان‌ها چون موقعیتی نمی‌بینند برای

دفاع از خود] سخن نمی‌گویند، (۳۵)

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٦﴾

و به آنان اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند. (۳۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۷)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۖ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾

امروز همان روز داوری است که شما و پیشینیان را در آن

جمع کرده ایم. (۳۸)

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا ﴿٣٩﴾

پس اگر [برای فرار از عذاب] چاره و تدبیری دارید، آن را به

کار گیرید. (۳۹)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾

به یقین پرهیزکاران در زیر سایه‌ها و کنار چشمه سارهایند، (۴۱)

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾

و نزد میوه‌هایی از آنچه همواره بخواهند. (۴۲)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام

می دادید، بخورید و بیاشامید گوارایتان باد. (۴۳)

إِنَّا كَذَّبِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۴۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۵)

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾

[شما ای کافران و مشرکان! در این دنیا] بخورید و اندک زمانی
برخوردار شوید که شما گنهکارید [و بی تردید به کیفر اعمالتان
گرفتار خواهید شد.] (۴۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۷)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾

و هنگامی که به آنان گویند: [در برابر خدا] رکوع کنید، رکوع

نمی کنند. (۴۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۰﴾

[اگر به قرآن ایمان نیاورند] پس به کدام سخن بعد از آن

ایمان می آورند؟ (۵۰)